جوان

روزنامه سیاسی، اجتماعی و فرهنگی صبح ایران

صاحب امتیاز: پیام‌آوران نشر روز
مدیرعامل و مدیر مسئول: عبدالله گنجی
آدرس: تهران، خیابان شهید مطهری، تقاطع میرزای شیرازی، پلاک ۳۸۴
سازمان آگهی‌ها: ۸۸۵۴۲۰۷۵- پنج خط
روابط عمومی: ۸۸۴۹۸۴۴۹، نمابر: ۸۸۴۹۸۴۶۹
توزیع: شرکت نشر گستر امروز ۷۷-۷۶-۸۸۴۹۸۴۷۵
چاپ تهران: چاپخانه روزنامه جوان
چاپ همزمان مشهد: مجتمع چاپ و نشر روزنامه قدس

| روزنامه جوان | شماره ۴۲۳۸ | سه‌شنبه ۱۶ اردیبهشت ۱۳۹۳ | ۶ رجب ۱۴۳۵ | اذان ظهر: ۱۳:۰۱ |
غروب آفتاب: ۱۹:۵۵ | اذان مغرب: ۲۰:۱۴ | نیمه‌شب شرعی: ۰۰:۱۳ | اذان صبح فردا: ۰۴:۳۱ | طلوع آفتاب فردا: ۰۶:۰۷ |

نهج البلاغه

روش برخورد با فتنه‌ها (اخلاقی، سیاسی)

قَالَ [علیه السلام] كُنْ فِي الْفِتْنَه كَابْنِ اللَّبُونِ لَا ظَهْرٌ فَيُرْكَبَ وَ لَا ضَرْعٌ فَيُحْلَبَ

درود خدا بر او، فرمود: در فتنه‌ها چونان شتر دو ساله باش، نه پشتی دارد که سواری دهد و نه پستانی تا او را بدوشند.

صحبت‌های رئیس‌جمهور این برداشت را ایجاد کرد که ایشان مخالف ممیزی هستند

ممیزی قانون است، انتظارمان این است که مجریان قانون به قانون عمل کنند، اما صحبت آقای رئیس‌جمهور این برداشت را در جامعه ایجاد کرد که ایشان مخالف ممیزی هستند.

حجت‌الاسلام سیدعلی طاهری، سخنگوی کمیسیون فرهنگی مجلس شورای اسلامی با بیان اینکه در کمیسیون فرهنگی تلاش داریم همه موارد را ببینیم، گفت: ما در کمیسیون فرهنگی سعی داریم نقاط ضعف و قوت را ببینیم، وظیفه داریم از نقاط قوت قدردانی کنیم و نقاط ضعف را همزمان با حضور وزیر ارشاد در کمیسیون تذکر دهیم، اما اتفاقاتی در دوره اخیر و ماه‌های گذشته رخداده که نگران‌کننده است. انتظار ما از وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی به عنوان یکی از متولیان اصلی فرهنگ در کشور این است که در خصوص رفع دغدغه‌های نیروهای ارزشی و متدینین و مراجع، تلاش بیشتری انجام دهد و مجلس و کمیسیون فرهنگی هم برای رفع این دغدغه‌ها آمادگی دارند. اگر رئیس‌جمهور منظور دیگری به‌جز مخالفت با ممیزی از صحبت خود داشتند، لازم است روابط عمومی نهاد ریاست‌جمهوری یا معاونت پارلمانی اطلاع‌رسانی دقیقی کنند.

به نظر می‌آید ممیزی از ضروریات است و در تمام کشورها صورت می‌گیرد. در کشورهای اروپایی و غربی مثلاً کتابی درباره هولوکاست اجازه انتشار ندارد، پس آنها هم ممیزی دارند و بر اساس قانون و خطوط قرمز خود عمل می‌کنند. طاهری در ادامه خاطر نشان کرد: این طبیعی و منطقی است که در کشور ما ممیزی وجود داشته باشد.

امریکا، تنها کشوری که برنامه «هفته کتاب‌های سانسور شده» دارد

مادر سانسور جهان برای دیگران ممیزی نمی‌خواهد

گزارش یک

الناز خمامی‌زاده

عمر سانسور کتاب در دنیا به طول عمر اولین کتاب‌های تاریخ جهان باز می‌گردد؛ اگرچه غرب همیشه از فرآیند اعمال سانسور کتاب در جوامع خود چشمپوشی و با سر دادن شعار دموکراسی سعی کرده است که فرآیند ممیزی کتاب در کشورهای خارج از حلقه خود را به چالش بکشد اما روی دیگر سکه نشان می‌دهد که ممیزی و سانسور کتاب حتی در دموکراتیک‌ترین جوامع جهان و نیز جوامع مدعی آزادی بیان نیز با شعار حفظ منافع ملی، عقیدتی، سیاسی و امنیت اخلاقی اعمال می‌شود. غرب در تحمیل ممیزی بر حوزه نشرش، سبک و سیاق و شیوه خاص خود را دارد اما همین فرآیند مشابه در کشورهای جهان سوم گل درشت می‌شود و نام نقض آزادی بیان را به خود می‌گیرد.

سانسور از عهد باستان تا قرن ۱۹ میلادی

از نظر غرب سانسور برابر است با فیلتر کردن جریان آزاد اطلاعات اما سانسور به ویژه در حوزه کتاب با وجود تمام نقدهای آشکاری که به آن وارد است، از غرب جان گرفته و کماکان در فرآیندهای نظارتی آنها ریشه دارد.

سانسور واژه‌ای رومی است که ریشه آن به «دفتر سانسور» امپراتوری روم در حدود سال ۵۰۰ پیش از میلاد مسیح باز می‌گردد! رومی‌ها معتقد بودند که سانسور برای شکل‌دهی و رشد و توسعه شخصیت شهروندان رومی لازم و ضروری است. شاید بتوان از اعدام سقراط در سال ۳۹۹ پیش از میلاد به عنوان مشهورترین نمونه سانسور در عصر روم باستان یاد کرد. مردم روم خواهان خاموش کردن صدای سقراط بودند و از اثرگذاری عقاید او بر نسل جوان روم می‌هراسیدند. جوامع باستانی دیگری چون اسرائیل نیز سانسور را راهی اخلاقی برای کنترل عقاید و ارزش‌های کلی جامعه می‌دانستند. در عصر رنسانس، کلیسای کاتولیک لیستی از کتاب‌های ممنوعه را منتشر کرد که کاتولیک‌ها حق مطالعه کتاب‌های این لیست را نداشتند. این لیست تا سال ۱۹۵۰ میلادی و حتی تا به امروز همچنان قدرت اجرایی داشته و دارد و از آن به عنوان یکی از قدرتمندترین فعالیت‌های سانسوری در تاریخ جهان یاد می‌شود. خانواده سلطنتی انگلیس نیز در برهه‌های مختلف به واسطه قدرت نفوذ خود، پایه‌گذار برخی سانسورها در انگلیس بوده است. ملکه الیزابت اول در سال ۱۵۹۷ میلادی دستور سانسور و حذف صحنه‌ای از نمایشنامه شکسپیر را داد که در آن به زعم او از اجداد خاندان سلطنتی انگلیس تصویر ناخوشایندی به نمایش در آمده بود. پادشاه جیمز اول نیز در سال ۱۶۱۴ میلادی کتاب «تاریخ جهان» اثر سر والتر رالیگ را ممنوع‌الچاپ کرد. در سال ۱۶۲۴ میلادی پاپ نیز انتشار نسخه آلمانی کتاب انجیل را ممنوع اعلام کرد. بر کسی پوشیده نیست که کلیسای کاتولیک نیز زمانی حامی سانسور تئوری‌های گالیله درباره فضا و کره زمین بوده است.

از سوی دیگر آغاز دوره انقلاب صنعتی غرب هم با سانسور چندین اثر شاخص حوزه ادبیات جهان همراه بود. کلیسای کاتولیک در این دوره کتاب «رابینسون کروزوئه» را به لیست کتاب‌های ممنوعه اضافه و در سال ۱۷۴۴ میلادی نیز کلیسای پروتستان، انتشار کتاب «اندوه ورتر جوان» را ممنوع اعلام کرد. در آستانه انقلاب صنعتی فرانسه هم شمار زیادی از کتاب‌های مدافع سیستم سلطنتی دولت این کشور ممنوع‌الچاپ شد. در قرن ۱۹ میلادی، یکی از مهم‌ترین و قابل توجه‌ترین سانسورهای تاریخ درباره کتاب جنجالی «منشأ انواع» چارلز داروین اتفاق افتاد که در سال ۱۸۵۹ منتشر شده بود. کالج ترینتی کمبریج انگلیس اقدام به جمع‌آوری گسترده این کتاب از سطح کتابخانه‌هایش کرد و هنوز که هنوز است بنا به صلاحدید و سیاست‌های فرهنگی انگلیس، این کتاب و نظریه تکامل داروین کماکان سایه سانسور را بالای سر خود می‌بینند.

امریکا نیز در سال ۱۸۷۳ میلادی قانون «کامستاگ» یا قانون فدرال «ضد وقاحت» را در کنگره‌اش تصویب کرد که بر اساس آن فروش کتاب با محتوای غیراخلاقی ممنوع اعلام شد؛ قانون کامستاگ اگرچه امروز قدرت اجرایی خود را از دست داده اما هنوز هم اثرگذاری خود را در برخی موارد خاص دارد. در سال ۱۸۸۱ همچنین انتشار کتاب «برگ‌های چمنزار» اثر والت ویتمن و نیز در سال ۱۸۸۴ انتشار کتاب «هاکل بریفین» اثر مارک تواین در امریکا ممنوع اعلام و این آثار از سطح کتابخانه‌های امریکا جمع‌آوری شدند. «هاکل بریفین» هنوز که هنوز است هدف برخی سانسورها و ممنوعیت‌ها در امریکا است.

سانسور از قرن بیستم تا عصر جدید

در آغاز قرن بیستم سانسور کماکان در مهد پرورش خود یعنی غرب ادامه پیدا کرد. در اتحادیه جماهیر شوروی کتاب‌های انجیل و قرآن و نیز «ماجراهای شرلوک هلمز» اثر سر آرتور دویل ممنوع اعلام شدند. امریکا در آغاز این قرن انتشار ترجمه کتاب «شب‌های عربی» در این کشور را ممنوع اعلام کرد. در سال ۱۹۲۹ نیز ایتالیا و بخش‌هایی از اروپای غربی انتشار برخی کتاب‌های جک لندن را ممنوع اعلام کردند. کتاب‌های همینگوی نیز در ایتالیا و آلمان طعم سانسور را چشید. ایرلند در دهه ۱۹۵۰ نیز انتشار تمام کتاب‌های جان اشتاین‌بک را ممنوع اعلام کرد.

سایه سانسور بر سر ۵۰۹۹ کتاب در ۱۰ سال امریکا

جوامع غربی بنا به دلایل مختلف همیشه سانسور را در سیاست‌های خود گنجانده‌اند. گاه دلایل به صلاحدید جمعی و منافع عمومی همچون مسائل مذهبی و اخلاقی باز می‌گردد و گاه ریشه‌های سیاسی دارد. سانسور کتاب در عصر کنونی کماکان به قوت خود باقی است اما برخلاف تصویری که غرب از آزادی انتشار هر گونه محتوایی در حوزه نشر خود نشان می‌دهد، سانسور در بطن قوانین برخی از این سردمداران دموکراسی نهفته و تا عصر کنونی نیز غرب بنا به صلاحدید خود کماکان اقدام به سانسور می‌کند. ماه گذشته وزارت دفاع انگلیس قصد اعمال ممیزی‌هایی بر کتاب «یک جنگ خودمانی» اثر مایک مارتین، کاپیتان اسبق ارتش زمینی این کشور داشت؛ کتابی که اشتباهات فاحش ارتش‌های امریکا و انگلیس در خاک افغانستان را روایت می‌کند. افشاگری این کتاب نهایتاً به استعفای خود خواسته مارتین از ارتش انگلیس منجر شد، اما کتاب او توانست بدون ممیزی وارد چرخه توزیع و نشر شود. دولت استرالیا نیز آثاری چون «تمام مردها دشمن هستند» و «دختر کلنل» اثر ریچارد آلدینگتون، «کهربای ابدی» اثر کاتلین وینسور، «قضاوت پاریس» اثر گور ویدال و دهها اثر دیگر را در لیست ممیزی خود قرار داده است. سانسور کتاب در غرب به خصوص در ایالات متحده امریکا آنقدر گسترده است که مدافعان آزادی بیان برنامه‌ای را به عنوان «week books Banned» (هفته کتاب‌های سانسور شده) برگزار و گزارش‌هایی از عملکرد دستگاه‌های سانسور غربی منتشر می‌کنند.

دفتر آزادی معنوی انجمن کتابخانه‌های امریکا نیز که هر از گاهی لیستی از کتاب‌های سانسور شده یا در معرض سانسور در این کشور را منتشر می‌کند و طرفدار جریان آزادی اطلاعات است، در سال ۲۰۱۳ به ۳۰۷ مورد کتاب در معرض سانسور اشاره کرده که در صدر این آثار اسامی چون «کاپیتان زیرشلواری» اثر دو پیلکی، «آبی‌ترین چشم» اثر تونی موریسون، «خاطرات کاملاً واقعی از هند پاره وقت» اثر شرمن آلکسی، «۵۰ سایه خاکستری» اثر ای ال جیمز، «در جست و جوی آلاسکا» اثر جان گرین، «استخوان» اثر جف اسمیت و نیز کتابی چون «بازی گرسنگان» اثر سوزانه کالینز به چشم می‌خورد که مورد اخیر محل اقتباس ساخت فیلمی در سال گذشته بوده است. جالب آنجاست که در یک دهه گذشته، حدود ۵ هزار و ۹۹ کتاب در حوزه نشر امریکا در معرض اعمال سانسور و ممیزی قرار گرفته‌اند. همچنین بیش از ۶ هزار مورد سانسور کتاب در سطح کتابخانه‌های مدارس دولتی امریکا ظرف ۲۰ سال گذشته تا کنون گزارش شده است.

غرب و غم سانسور در جهان سوم

امریکا برای توجیه سانسور و ممیزی این کتاب‌ها معمولاً مسائلی چون زبان آزاردهنده و نامناسب برای گروه‌های سنی، خشونت، مسائل غیراخلاقی، ترویج مصرف مواد مخدر و نژادپرستی و نیز عللی چون مسائل مذهبی و سیاسی را ذکر می‌کند.

سانسور و ممیزی پس از نشر تنها اقدام نظارتی امریکا بر حوزه نشر محسوب نمی‌شود. این کشور مدت کوتاهی پس از حوادث ۱۱ سپتامبر، قانون میهن‌پرستی ایالات متحده امریکا را تصویب کرد؛ قانونی که به دولت این کشور اجازه می‌دهد هرگونه اطلاعاتی درباره کتاب‌های خریداری شده از هر مجموعه‌ای و نیز اطلاعاتی درباره خریدار این کتاب‌ها را جمع‌آوری کند.

سانسور و نظارت‌های دقیقی که معمولاً پس از نشر گریبان برخی کتاب‌ها را می‌گیرد، از فرآیندهای جاافتاده و پذیرفته شده در سیستم و جامعه غرب است. در واقع برخلاف تصور عموم درباره فضای باز فرهنگ در کشورهای غربی و عدم وجود نظارت بر هر آنچه در جوامع آنها منتشر می‌شود، فرهنگ غرب همچون اقتصاد آن به حال خود رها شده نیست. سانسور و ممیزی در هر جامعه‌ای سر و شکل خود را دارد، در کشورمان دولت نظارت‌های پیش از نشر را به شکلی عیان و علنی اعمال می‌کند. زمام ممیزی در غرب بیشتر از آنکه در اختیار دولت باشد در اختیار مافیای قدرت است؛ مافیایی که قوانین خاص خود را دارند و در برخورد با محتوای خلاف جریان قدرت و نیز مسائل مرتبط با امنیت سیاسی، اخلاقی و مذهبی مانع نشر می‌شوند. کتاب‌های مشهور تاریخ ادبیات جهان همچون خوشه‌های خشم و موش‌ها و آدم‌ها اش جان اشتاین بک، برباد رفته‌اش مارگارت میچل، پرتقال کوکی‌اش استنلی کوبریک، هری پاتراش جی کی رولینگ، قلعه حیوانات (مزرعه حیوانات) اش جورج اورول، جادوگر شهر اوز ال‌اش فرانک بوئم، ماجراهای هاکل بریفین‌اش مارک تواین و آثار دیگری چون «کلبه عمو تم»، «صد سال تنهایی»، «کد داوینچی» و «مرگ فروشنده» نیز به همین شیوه ممیزی شده یا به شکلی ضربتی و گسترده از سطح کتابخانه‌های کشورهای غربی جمع‌آوری شده‌اند!

گزارش ۲

اخراج نماینده یک ناشر خارجی از نمایشگاه

کمیته رسیدگی به تخلفات ناشران با بررسی تخلفات بخش بین‌الملل نمایشگاه کتاب تهران برای اولین بار، رأی به اخراج نماینده یک ناشر خارجی به دلیل عرضه کتاب‌های غیرمجاز چاپی (افست) و نیز محرومیت نماینده انتشارات چند ملیتی «الزویر» از حضور در نمایشگاه بیست و هفتم داد.

همایون امیرزاده، مدیر کمیته رسیدگی به تخلفات ناشران در نشستی خبری در بیست و هفتمین نمایشگاه بین‌المللی کتاب تهران با بیان اینکه این کمیته امسال برای اولین بار جهت بررسی تخلفات بخش بین‌الملل به این حوزه ورود کرده است، گفت: علت اصلی این اقدام، مطالبه جدی مدیر کمیته بین‌الملل نمایشگاه و انجمن فرهنگی ناشران بین‌الملل بود.

وی با بیان اینکه تا روز گذشته ۲۲ رأی از سوی هیئت رسیدگی به تخلفات ناشران صادر شده است که از این تعداد دو رأی مربوط به بخش بین‌الملل است، گفت: بر اساس یکی از این آرای صادره، یکی از شرکت‌هایی که نمایندگی یک ناشر خارجی را داشته از ادامه حضور در بیست و هفتمین نمایشگاه بین‌المللی کتاب تهران محروم شده است و همچنین هیئت رسیدگی به تخلفات ناشران تشخیص داد حضور این شرکت و نماینده آن هم در تمامی نمایشگاه‌های بین‌المللی کتاب تهران در سال‌های آینده منتفی شود. همچنین بنا بر این رأی، در عنداللزوم برای اتخاذ تصمیم بعدی، پرونده مربوطه به دفتر حقوقی و امور مالکیت معنوی وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی ارسال شده است.

امیرزاده گفت: شرکت مذکور بر خلاف ضوابط اعلامی برای شرکت در نمایشگاه کتاب تهران، اقدام به عرضه کتب غیراصلی و حتی کتاب‌های غیرواقعی کرده بود.

در واقع این شرکت اقدام به فروش کتاب‌هایی کرده که اصلاً وجود خارجی نداشته‌اند و او صرفاً عنوان کتاب‌ها را به متقاضیان می‌فروخته و در واقع آن را پیش‌فروش می‌کرده و این در حالی است که این عناوین به هیچ وجه در فهرست ناشر اصلی وجود نداشته‌اند. بررسی‌های تخصصی هیئت کارشناسی نشان داد که شابک‌های مربوط به این کتاب‌ها تقلبی بوده است.

نما | حسین کشتکار

سینماگران ایرانی
چرا دست به دامان بازیگران سریال‌های ترکی شده‌اند؟

«چنار» و «کوزی» سودی به حال خراب سینمای ما ندارد!

دیدگاه

حامد مظفری

ما ایرانیان در دمیدن سرنا از سر گشاد ید طولایی داریم؛ زمانی به لطف مدیران سینمایی دهه ۶۰ راه جهانی شدن را در تولید آثار اگزوتیک و ارائه آنها به جشنواره‌های آن وری دیدیم و به این واسطه هرچند تا مدتی در کانون توجه سیاسی‌بازانی بودیم که به نام برگزاری جشنواره و دعوت از فیلم‌های سیاه‌نمایانه ایرانی می‌خواستند این طور به مخاطب جهانی القا کنند که ایران جز کویر، روستایی، عقب‌افتادگی، محرومیت و تنگنا چیز دیگری را تجربه نمی‌کند، ولی این روند کلیشه‌ای در نهایت کار را به جایی رساند که فیلمسازی به نام کوئنتین تارانتینو بی‌رودربایستی سینمای جشنواره‌ای ایران را به سخره گرفت و آن را سینمایی ضدمخاطب خواند!

در آن روزگار تا توانستیم ضدقصه و با تکیه بر کلیشه‌های سینمای آوانگارد اروپا پیش رفتیم بلکه سری بین سرها درآوریم، غافل از اینکه هنر به واسطه اصالتش است که اعتبار کسب می‌کند و نه به واسطه چرکنویس کردن از دست این و آن!

آن روزگار و آن آثار به‌رغم ذهنیت منفی که بر ذهن مخاطبان به جای گذاشت، گذشت و گذشت تا رسیدیم به دوران جدید؛ دورانی که همان‌ها که روزگاری با ساخت فیلم‌های روشنفکرنمایانه مخاطبان را از سینما فراری دادند حالا فریاد وااسفا سر داده‌اند که چرا سینما مخاطب ندارد. همان‌ها این روزها هر جا که می‌نشینند و هر تریبونی که می‌یابند در کنار صحبت درباره انصراف داوطلبانه خود از دریافت یارانه(!) از این می‌گویند که چرا مخاطب ایرانی این سال‌ها مشتری پروپاقرص سریال‌های شبکه‌های ماهواره‌ای شده است؟

هیچ کس هم به نقش آن نگاه محدود و روشنفکرانه و ضدسرگرم‌سازی دهه ۶۰ اشاره نمی‌کند! نگاهی که به مرور زمان و با گستردگی دامنه رسانه‌های سرگرمی‌ساز کار را به جایی رساند که مخاطبان ایرانی ستاره‌های سریال‌های ترک زبان را بهتر از بازیگران مطرح سینما بشناسند.

چنار+کوزی؟

اما موضع‌گیری سینمای ما در برابر این دگردیسی هم جالب است. این روزها گروهی از تهیه‌کنندگان و کارگردانان به دنبال آن هستند که با دعوت از بازیگران سریال‌های ترک برای بازی در فیلم‌هایشان احتمالاً شرایط استقبال مخاطبان از فیلم‌هایشان را فراهم آورند! او که زمانی سیاه‌نمایانه‌ترین و در عین حال فانتزی‌ترین تصویر از وضعیت زن در اجتماع ایران را در «انتهای خیابان هشتم» تصویر کرده بود به دنبال آن است که بازیگری ترک به نام «تولگا هان سایشمن» را برای فیلم تازه‌اش «موج کوتاه ردیف ۴۴۴» به خدمت بگیرد. این تولگا بیشتر از همه به واسطه بازی در سریال «عمر گل لاله» و ایفای کاراکتر «چنار» شناخته می‌شود.

کارگردانی دیگر که زمانی اکشن‌هایی نظیر «یاس‌های وحشی» و «شیرهای جوان» باب طبع سینماهای حوالی میدان امام حسین را می‌ساخت نیز به دنبال آن است که از بازیگری ترک به نام «کیوانچ تاتلیتوگ» برای بازی در تازه‌ترین فیلمش «مجانی» استفاده کند. این جناب کیوانچ هم به واسطه نقش «کوزی» در سریال ترک «کوزی گونی» برای ایرانیان شناخته شده است!

افراط و تفریط از دیرباز همزاد هم بوده‌اند؛ همان طور که بنیانگذاران سینمای گلخانه‌ای دهه ۶۰ ضدمخاطب بودن و تکیه بر فرم را بهترین راه برای رهایی از انگی به نام فیلمفارسی می‌دانستند و تا توانستند سعی کردند به نوعی خاص از سینما که بیشتر به درد سینماتک‌ها می‌خورد سوبسید بدهند حالا هم عده‌ای سینماگر پیدا شده‌اند که گمان دارند اگر پای بازیگران سریال‌های محبوب ماهواره‌ای را به فیلم‌هایشان باز کنند آنگاه این صف‌های طویل مقابل سینماهای نمایش‌دهنده است

که تجدید می‌شود! اما هیچ‌کس نیست به این دوستان بفهماند مخاطب اگر بازیگر سریال «عمر گل لاله» را به نام می‌شناسد نه به خاطر توانایی فوق‌العاده این بازیگر به خاطر فضای تابوشکنانه‌ای است که در این سریال‌ها از روابط زن و مرد می‌بینند! مخاطب این سریال‌ها را می‌بیند برای رفع خستگی در زمانی که مشغول صرف شام یا میوه بعد از شام است! همین مخاطب اگر سریالی مثل «پایتخت» جلوی رویش باشد به راحتی قید چنار و کوزی و گونی را زده و به تماشای شیرین‌کاری‌های نقی معمولی می‌نشیند!

پس حضور یا عدم حضور ستاره‌های ترک در فیلم‌های ایرانی هیچ سودی به حال مخاطب ایرانی ندارد که اگر این طور بود فیلم‌های اخیر ایرج قادری به واسطه آن همه خاطره‌ای که از خود در سینمای فارسی به جای گذاشته بود، باید پرفروش‌ترین فیلم‌های سال می‌شدند.

دی‌کاپریو را هم بیاورید کاری از پیش نمی‌برید

آقای کارگردان! مخاطب ایرانی فیلم خوب را هرچقدر هم که مهجور اکران شود می‌بلعد؛ درست مثل «خط ویژه» مصطفی کیایی که به‌رغم محدودیت در پخش تیزر باز هم فروش خود را داشته است! پس اگر به دنبال جلب نظر مخاطب هستی برو به دنبال قصه‌هایی که در دل همین اجتماع رخ می‌دهند و آدم‌هایش از بطن ما برخاسته‌اند. قصه خوب که انتخاب کنی گمنام‌ترین بازیگران هم اگر واقعاً بازیگر باشند در فیلم تو می‌درخشند و در نهایت مخاطب هم به سینما می‌آید، اما اگر ظرف اجتماع را نشناسی، چنار که هیچ، دی‌کاپریو را هم از سینمای هالیوود بیاوری طرفی نمی‌بندی.

یادداشت

محمدصادق عابدینی

بلیت فروشی برای نمایشگاه کتاب تا چه حد توجیه‌پذیر است؟

یکی از نویسندگان کشورمان در مصاحبه با ستاد خبری نمایشگاه کتاب تهران، پیشنهاد داده است تا حتماً برای نمایشگاه کتاب مبلغی به عنوان ورودی گرفته شود و درآمدش صرف مواردی چون ارتقای سطح کیفی و کمی در حیطه کتاب، کمک به ناشران و حتی فراهم کردن تسهیلات رفاهی بازدیدکنندگان شود! این نویسنده عزیز برای اینکه ثابت کند باید حتماً از بازدیدکنندگان از نمایشگاه ورودی دریافت شود، نمایشگاه کتاب فرانکفورت آلمان را به طور مثال آورده و از مزایای آن نمایشگاه نسبت به نمایشگاه تهران سخن گفته است.

ابتدا باید تصریح کنیم که بله! نمایشگاه کتاب فرانکفورت بسیار بهتر از نمایشگاه کتاب تهران است، نه به خاطر اینکه مانند آن نویسنده سعادت بازدید از آن نمایشگاه را داشته باشم، تنها به این دلیل که حداقل نمایشگاه کتاب فرانکفورت به عنوان یک رویداد بزرگ فرهنگی در جهان مشهور است، اما نمایشگاه کتاب تهران به‌رغم اینکه عنوان بین‌المللی دارد، تأثیرش در سطح ملی است و تازه به فکر افتاده‌ایم که کشورهای فارسی‌زبان مانند افغانستان را به آن دعوت کنیم که حداقل برای فارسی زبان‌ها مرجع کتاب شویم. بعد در این اوضاع که از مدیران وزارت ارشاد گرفته تا مسئولان شهری در تلاش هستند میزان بازدیدکنندگان نمایشگاه بالا برود، ولو اینکه خریداران کتاب درصد پایینی از بازدیدکنندگان را داشته باشند، گرفتن حق ورودی یا همان بلیت فروشی برای نمایشگاه کتاب تا چه حد توجیه‌پذیر است؟! ما که از فقر مطالعه در کشورمان رنج می‌بریم و در دو ساله اخیر به دلیل افزایش قیمت کاغذ با گرانی کتاب روبه‌رو شده‌ایم، چرا باید کسانی را که از راه‌های دور و نزدیک به نمایشگاه آمده‌اند تا کتاب بخرند یا حداقل در حال و هوای کتاب و کتاب‌خوانی قرار بگیرند، با گرفتن ورودی، بپرانیم؟! پرداختن ورودی برای نمایشگاه‌های تخصصی تقریباً امری عادی است، ولی به شخصه هیچ کجا ندیده‌ام که نمایشگاه کتاب تهران جزو نمایشگاه‌های تخصصی و با مخاطب خاص تعریف شده باشد. بعد اگر بخواهیم خودمان را با آداب فرنگی‌ها وفق دهیم باید کمی هم به ارقام و آمار آنها در زمینه کتاب‌خوانی نگاه بیندازیم؛ صرفاً اعلام اینکه چون در فرانکفورت پول می‌گیرند ما هم باید بگیریم که دردی را دوا نمی‌کند.

طبق آخرین آماری که از نمایشگاه کتاب تهران اعلام شد، رقم تراکنش مالی کارتخوان‌های نمایشگاه به بیش از ۱۴ میلیارد تومان رسیده است. رقمی قابل توجه برای خرید کتاب که جای امیدواری دارد، اما در مقایسه‌ای مختصر با درآمد تنها یک ناشر خارجی متوجه می‌شویم فاصله اقتصاد فرهنگی ما با فرنگی‌ها چقدر است. انتشارات «پیرسون» که دفتر مرکزی‌اش در انگلستان است تنها در سال ۲۰۱۲ میلادی، درآمدی بالغ بر ۹ میلیارد و ۱۵۸ میلیون دلار داشته است. این رقم را می‌توانیم با درآمد کشورمان از محل صادرات غیرنفتی مقایسه کنیم! آن وقت ۲ هزار و ۳۳۰ ناشر ایرانی تمام زورشان را زدند و شد ۱۴ میلیارد تومان (البته این آمار تا روز آخر نمایشگاه افزایش خواهد داشت).

من اگر جای آن نویسنده محترم بودم به جای اینکه خودم را درگیر مسائل اینچنینی کنم به این فکر می‌کردم که چکار باید بکنیم که کتاب‌هایمان خواننده داشته باشد، چکار باید کرد که مردم بیشتر کتاب بخوانند و برای کتاب ارزش بالاتری قائل شوند، مطمئناً اگر به راهکار درستی برسیم و آن را اجرایی کنیم شاهد خواهیم بود که در آینده مردم بیشتر و بیشتر به نمایشگاه کتاب خواهند آمد و نمایشگاه بین‌المللی کتاب تهران به معنای واقعی بین‌المللی خواهد شد، همان طور که در فرانکفورت به معنای واقعی جهانی و بین‌المللی است. آن وقت اگر به آن نقطه رؤیایی برسیم حتی اگر ورودی برای نمایشگاه گذاشته شود، مطمئن باشید مردم از پرداخت آن ابایی نخواهند داشت و شاید درآمد مؤسسات انتشاراتی کشورمان تا سطحی بالا برود که نیازی به حمایت‌های اینچنینی از آنها نباشد. تا آن زمان هم بهتر است یا خودمان در قیاس مع‌الفارق با فرنگی‌ها قرار ندهیم یا اگر قرار است مقایسه‌ای صورت بگیرد، بهتر است معایب اصلی‌تر بیشتر به چشم بیاید تا راهی برای رفع آنها پیدا شود.

خبر

استقبال مردم از ارائه بلیت نیم‌بها در سینماهای حوزه هنری

مدیر پخش فیلم در حوزه هنری از رضایت و استقبال مردم از ارائه بلیت نیم‌بها در تعدادی از سینماهای حوزه هنری و همچنین بازسازی سینما «پیام» خبر داد.

غلامرضا فرجی، مدیر پخش فیلم در حوزه هنری سازمان تبلیغات اسلامی درباره اجرای طرح بلیت نیم‌بها که از سال گذشته در سینما سپیده و به تازگی در سینما فردوسی نیز اجرایی شده است، به خبرنگار مهر گفت: از زمانی که طرح نیم‌بها کردن بلیت در سینما سپیده اجرایی شد، میزان استقبال از فیلم‌هایی که در این سالن اکران می‌شود، زیاد شده و طبق آماری که مجید مسچی مدیر عامل مؤسسه «تصویر شهر» در اختیار ما قرار داده است، این سینما به جمع پرمخاطب‌ترین سینماهای کشور پیوست و رکورد حضور مخاطب در سینما طی یک سال گذشته را زد.

وی در ادامه افزود: آمار فروش سینما سپیده در روز یک‌شنبه (۱۴ اردیبهشت) برای دو فیلم «چ» و «زندگی جای دیگری است» ۹۵۰ میلیون تومان بود که این آمار خوبی برای این سینما است. ضمن اینکه به دلیل موقعیت جغرافیایی که این سینما دارد دانشجویان بیشتر مخاطب این سینما هستند و ما خوشحالیم که این طرح به قشر دانشجو کمک می‌کند تا بیشتر و راحت‌تر فیلم ببینند. مدیر پخش فیلم‌های سینمایی در مؤسسه «بهمن سبز» با اشاره به طرح نیم بها شدن بلیت در سینما فردوسی گفت: مدت زیادی از اجرایی شدن این طرح نگذشته و برای نتیجه‌گیری زود است، اما طبق آمار، اجرایی شدن این طرح در چند وقت اخیر باعث افزایش آمار مخاطب شده است.

فرجی در پایان صحبت‌های خود خبر بازسازی سینما «پیام» را اعلام کرد و گفت: سینما «پیام» که یکی از سینماهای فرسوده حوزه هنری بود در حال بازسازی است و تا امروز سالن آن به سیستم صوت و تصویر امروزی مجهز شده، همه صندلی‌ها مبله و کفپوش‌ها عوض شده، پرده اکران و سرویس‌های بهداشتی هم بازسازی شده و آماده بهره‌برداری است.